

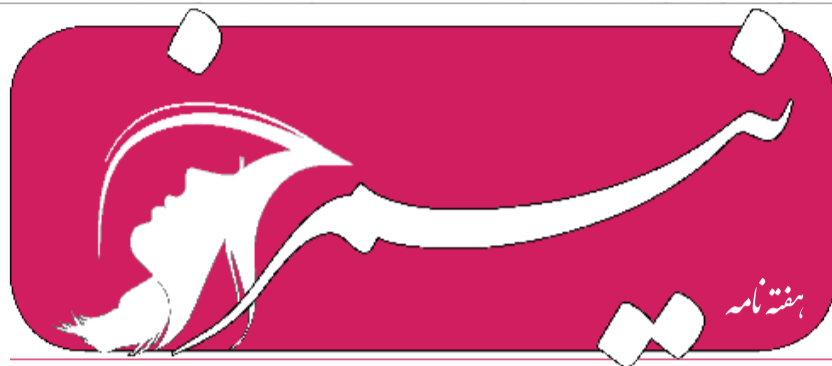


خالده پوپل، مسوول پیشین تیم ملی فوتبال زنان افغانستان.

اتهام‌ها و ادعاها در مورد...



■ سال دوم
■ شماره ۶۴
■ دوشنبه
■ ۱۲ قوس ۱۳۹۷
■ قیمت ۱۰ افغانی
■ Monday
■ December 3, 2018
■ Vol. 2
■ No. 64



این‌جا، چراغی روشن است

من آرزو دارم که زنان نه بر مردان، بلکه بر خودشان قدرت داشته باشند. کونته ورسیه



روی‌کرد نیمه

اهمیت افشاگری‌ها در مورد خشونت علیه زنان

افشاگری نیاز است و باید جدی گرفته شود!

خشونت علیه زنان جدی‌ترین موضوع کار و فعالیت موسسات و انجیوهایی مختلف در طول چندین سال بوده و است. این مسئله از جایی سر بلند می‌کند که روزانه؛ چه در دفاتر، خانواده‌ها و نهادهای مختلف دولتی و خصوصی، خشونت علیه زنان صورت می‌گیرد. با اطمینان می‌توان گفت که نمی‌توان زن و یا دختری را پیدا کرد که تجربه تلخ هرنوع اذیت و آزار را نداشته باشد.

متأسفانه افغانستان در رده‌ی کشورهای است که در آن آمار خشونت علیه زنان در سطح بالا قرار دارد. این را می‌توان از سیمای شهر که بانوان در آن زنده‌گی می‌کنند درک کرد. مسئله تجاوز به دختران فوتبالیست افغانستان سایه‌ی فلاکت زنده‌گی بانوان در این کشور را به جهانبان نشان داد. این موضوع مصداقی است برای سطوح مختلف زنده‌گی بانوان در افغانستان. بنا در نظر داشت آن‌چه در بالا ذکر شد، تنها چیزی که می‌تواند زنان را از این خاموشی نجات بدهد، جرات افشا کردن خشونت و هرنوع تجاوزی است که علیه‌شان صورت می‌گیرد.

مسئله افشاگری چند موضوع را برجسته می‌کند:

یک: زنان را گردهم می‌آورد تا در مورد این مسایل به صورت گسترده‌تر بحث کنند. دو: مردان را متوجه نقش‌شان که بازی‌گران و تحمیل‌گران اصلی هستند می‌سازد. سه: توجه نهادهای مسوول را در رابطه با جدیت و کیفیت این مسئله جلب می‌کند.

بنابراین، آن‌چه که به صورت محکم می‌تواند عامل تغییر و نجات بانوان در برابر خشونت که بالای‌شان اعمال می‌شود باشد، افشاگری است و نپذیرفتن رفتارهای بدی که علیه‌شان صورت می‌گیرد. افشاگری نیاز و باید جدی گرفته شود.

تنها بانوانی توانا و آگاه می‌توانند مدافع خوب و قوی برای زنان باشند

● صفحه ۳ ●

روایت: دکتر الیزابت برنشتاین

برگردان: پروانه حسینی

چرا تعرض‌های جنسی گزارش نمی‌شود

بچه‌ها باید بدانند که روابط سالم مبتنی بر اعتماد و دل‌سوزی متقابل است.

عضویت در دیوان عالی کشور را گزارش بدهد: «برای مدتی طولانی آن قدر هراسان و خجالت‌زده بودم که نمی‌توانستم با کسی درباره‌ی جزئیات آن حمله حرف بزنم». آقای کاوانا با رد این ادعا گفت: «هن هیچ‌وقت به کسی تعرض جنسی نکردم».

متخصصان می‌گویند گزارش ندادن تعرض جنسی دلایل متعددی دارد. ما با تیموتی سی مارشل، روان‌شناس بالینی و مدیر «مرکز نوآوری‌های سلامتی اسکورتون» در دانشگاه کورنل، که به مسایل مربوط به سلامت روانی در دانشگاه رسیده‌گی می‌کند، صحبت کردیم. دکتر مارشل بیش از ۲۵ سال به عنوان روان‌شناس بالینی، پژوهش‌گر و مدرس در مورد خشونت جنسی کار کرده است. در ادامه قسمت‌هایی از این مصاحبه را می‌خوانید:

چه عواملی بر گزارش دادن یا ندادن تعرض جنسی تأثیر می‌گذارد؟ تصمیم‌گیری در این مورد پیچیده است. گزارش دادن می‌تواند دوباره به آسیب روانی فرد بیان‌جامد یا برعکس، سبب توان‌مندی او شود یا هر دو. بخشی از درمان بازبایی حس کنترلی است که بر اثر تعرض از دست رفته است. اما وقتی کسی تعرضی را گزارش می‌دهد و کار به

تیموتی سی مارشل، روان‌شناس بالینی و مدیر «مرکز نوآوری‌های سلامتی اسکورتون» در دانشگاه کورنل بیش از ۲۵ سال که در مورد خشونت جنسی کار کرده است. او معتقد است که قربانیان تعرض جنسی غالباً می‌ترسند که دیگران حرف‌شان را باور نکنند یا انگشت اتهام را به سوی‌شان نشانه برونند.

بحث‌های پر حرارت اخیر درباره‌ی سورفتار جنسی در آمریکا توجه مردم را به این امر جلب کرد که قربانیان تمایل ندارند تعرض جنسی را گزارش دهند.

این موضوع در دوران جنبش «#من‌هم» در کانون بعضی از پرسروصداترین پرونده‌ها قرار داشته است. «مرکز ملی منابع خشونت‌های جنسی»، یک سازمان غیرانتفاعی واقع در هریسبورگ، مرکز ایالت پنسیلوانیا، با بررسی تحقیقات وزارت دادگستری آمریکا، مراکز مهار و پیش‌گیری از بیماری‌ها و پژوهش‌های حقوقی دانشگاهی دریافت که تنها ۵ تا ۲۰ درصد از قربانیان تعرض جنسی، این حملات را به پلیس گزارش می‌دهند.

کریستین بلیزلی فورد در برابر کمیته‌ی قضایی سنای آمریکا شهادت داد که تمایل نداشته تعرض ادعایی برت کاوانا، نامزد

مادران خشونت‌دیده خشونت می‌کنند

فمینیست‌های موج چهارم معتقد هستند که با نگاهی زنان باید به علم و هستی دیده شود.

او می‌گوید که به علت فقر مورد خشونت‌هایی مانند لت و کوب و توهین از طرف شوهرش قرار گرفته است اما همین عقده‌ها باعث شده است که فرزندانش قربانی خشونت‌ها باشند.

شهرلا می‌گوید پنج فرزند دارد، دو فرزند اولش همیشه قربانی نهایی خشونت‌های خانواده‌گی او بوده‌اند. او می‌افزاید تا به حال آن دو فرزندش رفتار عصی و پرخاش‌گری در اجتماع دارند و در اثر این ناراحتی و عقده‌مندی، خواهر و برادر کوچک‌تر خود را مورد لت و کوب قرار می‌دهند.

فرزندان مینا حمیدی هم در ردیف قربانیان خشونت‌ها بر مادر در خانواده هستند. مینا می‌گوید که به‌خاطر خشونت‌های لفظی و فیزیکی که

● ادامه در صفحه ۲ ...

گزارش: دکتر بهناز رسولی

منبع: خبرگزاری بانوان افغانستان

شماری از مادران در هرات به‌خاطر خشونت‌هایی که در برابر‌شان صورت گرفته است نتوانسته‌اند احساس و محبت مادرانه به فرزندانشان داشته باشند و با خشونت بر فرزندانشان خود این احساس حقارت را جبران کرده‌اند.

فرزندان خانواده در برخی موارد مسوول به دوش کشیدن خشونت‌هایی هستند که در برابر مادرشان صورت گرفته است و آن‌ها با جسم کوچک‌شان خشونت‌های مادری را تحمل می‌کنند.

شهرلا پیروز از خشونت‌هایی که بر فرزندش روا داشته است ابراز ندامت می‌کند،

● ادامه در صفحه ۲ ...

چرا تعرض‌های جنسی گزارش نمی‌شود

دست نظام‌های موجود می‌افتد، دوباره کنترل را از دست می‌دهد.

شاید قربانی نخواهد با صحبت علنی از تعرض دوباره آن آسیب را تجربه کند. این که تعرض در چه شرایطی رخ داده هم تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند. اگر شواهدی از صدمه‌ی جسمانی وجود داشته باشد، احتمال گزارش دادن فرد آسیب‌دیده بیش‌تر است. اگر آن موقع مثلن مست بوده و خاطره‌ی مبهمی از بعضی جزئیات داشته باشد، ممکن است بترسد که کسی حرفش را باور نکند. پشتیبانی شدید خانواده و دوستان می‌تواند نقش مثبتی داشته باشد. علاوه بر این، ممکن است فرد آسیب‌دیده فکر کند که گزارش دادن او مانع از صدمه دیدن دیگران می‌شود. اگر فکر کند که تعرض جنسی به وی اتفاقی نادر و منحصر به فرد بوده، احتمال پا پیش گذاشتن

او کم‌تر می‌شود. اما اگر ببیند دیگران هم از تعرض همان شخص شکایت می‌کنند، ممکن است نتیجه بگیرد که ارزش دارد ریسک کند و پا پیش بگذارد.

چه عواملی می‌تواند گزارش دادن را برای افراد کم سن و سال بسیار دشوار کند؟

در بیش‌تر موارد، مجرم کسی است که قربانی او را می‌شناسد یا یک دوست یا هم‌مدرسه‌ای، قربانی ممکن است بترسد که شخص خاطی عصبانی شود و دوباره او را آزار دهد. یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای جوانان پذیرفته شدن از طرف همسالان‌شان است، پس ترس از طرد اجتماعی شدید است. وقتی به کسی تعرض می‌شود، ممکن است از تهمت و افترای دوستان فرد خاطی بترسد. اطرافیانش ممکن است به او فشار آورند که حرفش را پس بگیرد یا او را از خود برانند. این نوع تلاقی جویی می‌تواند مخرب باشد. آن‌چه افزایش یافته تمایل به صحبت کردن از تعرض است و نه تعداد تعرض‌ها.

خیلی از مردم تصور خاصی از یک متجاوز در ذهن دارند و نمی‌توانند بپذیرند کسی که می‌شناسند و به او اعتماد دارند مرتکب چنین کار وحشتناکی شود. این امر به نوعی

گیجی یا آشفته‌گی ذهنی می‌آید که باید رفع شود. بنابراین، نظرشان درباره‌ی قربانی را تغییر می‌دهند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که این فرد آفرانی دارد و واقعیت را تحریف می‌کند و حتمن خودش «هرزه» یا دروغ گو است.

آیا این روزها دانش‌جویان بیش‌تری پا پیش می‌گذارند تا از تعرض جنسی حرف بزنند؟

تعداد کسانی که در کورنل و دیگر نقاط کشور درباره‌ی تجربه‌ی تعرض جنسی با متخصصان حرف می‌زنند افزایش یافته است، و شمار اندک اما فزاینده‌ای از آن‌ها تصمیم می‌گیرند که به طور رسمی گزارش دهند. این نشان می‌دهد که آن‌چه افزایش یافته تمایل به صحبت کردن از تعرض است و نه تعداد تعرض‌ها. وقتی قربانیان می‌بینند که دیگران پا پیش گذاشته‌اند، تشویق می‌شوند که خودشان هم به مسوولان اطلاع دهند. اما ممکن است سال‌ها طول بکشد تا فرد آماده‌ی حرف زدن درباره‌ی این واقعه شود. خیلی‌ها با کسی، معمولن یک دوست یا یک عضو خانواده، حرف می‌زنند. اما هنوز شکاف بزرگی بین تعداد قربانیان و آن‌هایی وجود دارد

تا به حال در برابر او انجام شده، سه فرزندش همیشه از محبت مادری محروم مانده‌اند.

او به‌خاطر لت و کوب کردن فرزندانش و بی‌مهری‌هایی که در برابر آن‌ها انجام داده است عذاب وجدان دارد زیرا این خشونت‌ها بر روان فرزندانش تاثیر زیادی داشته است و فرزندانش همیشه در جامعه گوشه‌گیر هستند و اگر در ردیف هم‌سن و سالان خود قرار بگیرند از خشونت و دعوا استفاده می‌کنند.

طاهره امیری یکی دیگر از زنانی است که به‌خاطر محبت ندادن به فرزندانش احساس خوبی نسبت به مادر بودن ندارد.

طاهره می‌گوید شوهرش به‌خاطر مسایل خانواده‌گی همیشه او را تحقیر و توهین کرده است و چندین مرتبه مورد خشونت مستقیم لت و کوب قرار گرفته است.

بچه‌ها باید بدانند

که روابط سالم مبتنی بر اعتماد و دل‌سوزی متقابل است.

که به متخصصان مراجعه می‌کنند یا تعرض را گزارش می‌دهند.

مقصر شمردن قربانی سابقه‌ای طولانی دارد، و قربانیان از این واقعیت آگاه‌اند. ممکن است آن‌ها احساس شرم کنند چون این باور فرهنگی ملکه‌ی ذهن‌شان شده است که خود قربانی تعرض جنسی هم مقصر است. آن‌ها ممکن است بترسند که دیگران حرف‌شان را باور نکنند یا انگشت اتهام را به سوی‌شان نشانه برونند. تعرض جنسی باعث چه نوع آسیب روانی می‌شود؟



خیلی سخت است که فرزندمان را وادار کنیم از تعرض جنسی پرده بردارد. بعضی از

بچه‌ها چون می‌دانند که این موضوع چقدر برای والدین‌شان ناراحت‌کننده است هرگز در این مورد با آن‌ها حرف نمی‌زنند. شاید می‌خواهند از والدین‌شان محافظت کنند، یا شاید می‌ترسند که پدر و مادرشان عصبانی شوند. گاهی والدین ناخواسته فرزندشان را سرزنش می‌کنند و مثلن می‌گویند، «بهت گفته بودم که توی مهمونی‌ها حواست رو جمع کن»، یا «مگر درباره‌ی خطر مشروب خوردن با هم حرف نزنه بودیم؟» وقتی که بچه‌ای از یک تعرض جنسی حرف می‌زند، مهم‌ترین کاری که پدر یا مادر می‌تواند انجام دهد این است که بچه را محکوم نکند. نباید پرسند چرا آن‌جا رفته بوده، یا چرا زودتر این را به آن‌ها نگفته است؟ بلکه باید بگویند خیلی متأسفانده که این اتفاق افتاده و در عین حال خوش‌حال‌اند که فرزندشان واقعیت را به آن‌ها گفته است. باید به فرزندشان بگویند که تقصیر او نبوده است.

والدین درباره‌ی این مسئله به پسرهای‌شان چه می‌توانند بگویند؟

مهم است که والدین توضیح دهند که فعالیت جنسی باید مبتنی بر احترام متقابل باشد و نه غلبه و چیره‌گی. درست نیست که به کسی برای نوعی تماس جنسی فشار آورد. پسرها باید بفهمند که توافق یعنی این که شخص به روشنی بگوید که مایل به ایجاد رابطه‌ی جنسی است. «نه» به معنای «بله» نیست. سکوت هم همین‌طور. پسرها باید یاد بگیرند اشکالی ندارد که آن‌ها هم «نه» بگویند چون گاهی پسرها هم برای تماس جنسی‌ای که به آن تمایل ندارند، تحت فشار قرار می‌گیرند.

خوب است والدین به بچه‌های‌شان بگویند که اگر دیدید دوست‌تان دارد به کسی برای نوعی تماس جنسی فشار می‌آورد مداخله کنید. و اگر کسی که می‌شناسیدش از تعرض جنسی به خودش یا شما حرف زد حرفش را باور کنید و از او حمایت کنید. هنگام راننده‌گی زمان خوبی برای گفت‌وگو است. به بچه‌های‌تان بگویید که از آن‌ها انتظار دارید به بقیه احترام بگذارند و بدانند که روابط سالم مبتنی بر اعتماد و دل‌سوزی متقابل است.

مادران خشونت‌دیده ...

تشویق می‌شوند تا در برابر خشونت‌ها خاموش باشند، اما این خاموش ماندن با گذر زمان به یک نوعی بروز خواهد کرد که باز هم در مواردی فرزندانش محکوم به تحمل این خشونت‌ها هستند.

به گفته‌ی آقای جعفری خشونت‌هایی که از طرف مادر بر فرزند صورت می‌گیرد سلامت روانی طفل را به خطر می‌اندازد، هم‌چنان طفل با یک شخصیت ناایمن بزرگ می‌شود و رابطه‌ی بین مادر و فرزند حالت طبیعی خود را نخواهد داشت.

این در حالی است که نظر به آمار انتشار شده از طرف ریاست امور زنان ولایت هرات میزان خشونت‌ها در برابر زنان در این شهر ۶۴۰ مورد بوده است که نسبت به سال پار ۶ مورد کاهش داشته است.

او می‌افزاید یک دختر و دو پسر دارد و بیش‌تر وقت‌ها ناراحتی‌هایش را بر فرزندانش خالی می‌کند، ولی به‌سبب محبت‌هایی که به فرزندانش نداده تا به حال نتوانسته است یک رابطه‌ی محبت‌آمیز بین خودش و فرزندانش ایجاد کند و همین خشونت‌ها فرزندانش را از او دور ساخته است.

به باور روان‌شناسان خشونت در برابر زنان بر علاوه‌ی این که زنده‌گی زن را با هنجار روبه‌رو می‌کند، حال و آینده‌ی فرزندانش را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد.

حسین جعفری، روان‌شناس، می‌گوید ممکن است در مواردی یک مادر به‌خاطر خشونت‌هایی که در برابر خودش انجام شده است، فرزندانش خود را به اشکال مختلف قربانی این خشونت‌ها سازد.

آقای جعفری می‌افزاید در افغانستان در اغلب موارد زنان

جعدگیسو

کچ مازیار کریم

مقام زن

گفت من را کز مقام زن بگو

از تمامی وجود من بگو

گفتمش این بس که نام تو زن است

باغ فردوس زیر پاهایت کم است

عشق عالم در تمام جان توست

مهر گردون در دل دستان توست

این تویی کز عشق لبریز است دلت

روشن از مهر است چراغ منزلت

عشق آن گل‌چهره شاداب توست

عشق آن احساس ناب پاک توست

آخر احساس توست مادر شدن

از برای عشق خاکستر شدن

تب شدن بیدار...

ادامه از صفحه آخر

اتهام‌ها و ادعاها...

و رسیده‌گی دارد، پرونده‌ی اتهام فساد اخلاقی و خشونت جنسی اعمال شده از جانب مربیان مرد بر اعضای این تیم است.

در جریان همین هفته، دادستانی کل کشور اعلام کرد که تحقیقات در مورد سواستفاده جنسی از اعضای تیم ملی فوتبال زنان را آغاز کرده است و روند بررسی این پرونده به صورت دقیق و اساسی، با رعایت محرمیت‌های هویتی انجام می‌شود. هم‌چنین دادستانی کل گفته است که پس از دریافت اسناد، مدارک و شواهد، عاملان این قضیه مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرند.

هم‌زمان با این، فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) نیز اعلام کرده که تحقیقاتش در این زمینه را آغاز کرده است. فیفا گفته است که پس از تشخیص واقعیت‌ها در مورد سواستفاده جنسی از بازی‌کنان تیم ملی فوتبال زنان افغانستان توسط مربیان مرد این تیم، برای حفاظت و مصونیت از بازی‌کنان فوتبال زن در افغانستان اقدام‌های احتیاطی را روی دست خواهد گرفت.

هم‌چنان پارلمان کشور نیز به نهادهای مسوول گفته است که این قضیه را جدی گرفته و روی آن بیش‌تر تحقیق کنند، اما اعضای تیم ملی فوتبال زنان افغانستان در نشست خبری ادعای سواستفاده جنسی از خودشان را رد کرده‌اند.

تیم ملی فوتبال زنان افغانستان را پیش از این شرکت حمل، حمایت می‌کرد، اما پس از نشر این گزارش‌ها گفته است که «ادعاهای قوی ناشی از بدرفتاری‌های شدید روانی، فزیک و جنسی در برابر بازی‌کنان زن از سوی مقام‌های مرد فدراسیون فوتبال افغانستان را دریافت کرده است.» همین مسئله باعث شد که این شرکت روابط خود را با فدراسیون فوتبال افغانستان قطع کند و خواهان تعیین رهبری جدید برای این فدراسیون شود.



تنها بانوانی توانا و آگاه می‌توانند مدافع خوب و قوی برای زنان باشند

گفت‌وگو با دکتر جواد صالحی
رییس دانشگاه گوهرشاد



جامعه افغانستان در حالت گذار (از سنت به مدرنیته) قرار دارد، این وضع دست‌خوش اتفاقاتی خوب و بد است که به شرط کار خوب می‌تواند بهبود پیدا کند

را کسی نمی‌شنوند، چه خواهد شد؟

هر چند بیش‌تر فعالیت نهادهایی که در عرصه زنان کار می‌کنند در شهرهای بزرگ دایر می‌شود، اما دلیلش این است که آنان تاهنوز توانایی و فرصت گسترش فعالیت شان را نداشته‌اند، بلکه افرادی بودند که برای خود انجیو تاسیس کرده و تازه به کار آغاز کرده‌اند. بنابراین، اگر کل کارکرد نهادهای فعال حقوق زن را در شهرهای بزرگ و مناطق امن ببینیم، این واقعیت ندارد؛ بلکه سازمان‌هایی وجود دارد که در دورترین نقاط افغانستان برنامه‌های آموزشی شان را دایر می‌کند. به طور نمونه: «موسسه شهیدا» (UN Human) و بسیار نهادهایی را می‌شناسیم که در مناطق شهری و در جاهایی که همه‌گی به خدمات آموزشی دسترسی دارد، هیچ برنامه‌ای ندارند بلکه تنها در مناطق دوردست خدمات ارایه می‌کنند.

در ضمن، گسترش ارتباطات، فعالیت رسانه‌ها و دانشگاه‌ها باعث شده است که ارزش‌های نوین به شکل مستقیم و غیر مستقیم در دورترین نقاط افغانستان انتقال یابد و هم‌چنان که جامعه به طور کلی در حال رشد و آگاهی است، زنان نیز نسبت به حقوق، امتیازها و جایگاه شان آگاه می‌شوند. همین‌که حتا در مناطق نامن، یک قربانی خشونت از رسانه‌ها به عنوان ابزار دادخواهی استفاده می‌کند و قضیه خشونت را به ثبت می‌رساند تا بر مبنای قانون به آن رسیده‌گی شود خود گناه تغییر و بهبود جایگاه زنان است که بدون شک در امر بیداری زنان، ارایه خدمات و فعالیت این سازمان‌ها مؤثر بوده است.

برای مدیریت بهتر این حالت گذار چه راه‌کاری وجود دارد که هم از وجود این سازمان‌ها و برنامه‌های حمایت از زنان جهت توان‌مندسازی زنان استفاده شود و از سوی دیگر تساوی جنسیتی و ارزش‌های نوین در جامعه به گونه واقعی نهادینه شود و خشونت علیه زن نیز کاهش یابد؟

وقتی از تغییر بنیادین حرف می‌زنیم در نخست باید زنان خودشان توانمند شوند؛ یعنی زنان در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ توانایی لازم برای پیش‌برد امور را داشته باشند. دلیل این‌که امروز زنان در عرصه‌های مختلف حضور کم‌رنگ دارند این است که زنان با ظرفیت و توان‌مندی لازم در این امور محدود است. از فرصت‌ها و امکانات امروزی باید در راستای ایجاد و تقویت نهادهای فرهنگی، آموزشی-تحصیلات عالی و فنی حرفه‌ای برای زنان استفاده شود. هم‌چنین از تسهیلاتی که جامعه جهانی و دولت‌های هم‌پیمان با افغانستان فراهم می‌کند باید برای ارتقای ظرفیت و آموزش زنان استفاده شود؛ زیرا با امکانات تحصیلی داخل افغانستان آن رشدی را نخواهد داشت که زنان بدان نیازمند هستند. بنابراین با استفاده از تسهیلات که از طریق هم‌کاری جامعه جهانی فراهم می‌شود باید مراکز پرورش استعدادها درخشان را ایجاد کند که توانایی رهبری، کارآفرینی، نفوذ و مؤثریت داشته باشد و رقم این افراد باید افزایش یابد. به طور نمونه: امروز زنانی که توانایی استادی دانشگاه، مهندسی، پزشکی، تاریخ‌نویسی و نویسندگی را داشته باشد کم‌تر پیدا می‌شود و آنانی که در رسانه‌ها مطرح می‌شوند بیش‌تر شان استعداد لازم همان جایگاه را ندارند. استیفای حق با شعار ناممکن است؛ از همین رو باید از هر فرصتی که فراهم می‌شود و هر برنامه‌ای که به راه می‌افتد در راستای افزایش مهارت و ارتقای ظرفیت زنان کار گرفته شود؛ وقتی زنان، دانش‌آموخته و توانا باشند، مشکلات فراروی زنان نیز کم‌کم حل خواهد شد.

و در آخر، اگر بگویید که زنان پیشکسوت و فعال در عرصه سیاست، در قبال استفاده از فرصت‌ها و زمینه‌سازی برای رشد زنان چه مسؤولیتی دارند؟

این مسؤولیت همه‌گی است که برای برابری تلاش کنند، حقوق زنان رعایت شود و زمینه فعالیت زنان را فراهم کنند. در جامعه‌ای که تبعیض وجود داشته باشد، چه تبعیض جنسیتی باشد و یا تبعیض قومی و مذهبی، در هر صورت جامعه بی‌ثبات است که از ظرفیت‌هایش برای توسعه استفاده نمی‌شود. افراد و گروه‌هایی که داعیه‌دار فعالیت در عرصه حقوق زنان هستند، مسؤولیت شان بیش‌تر و سنگین‌تر است؛ اما زنانی می‌توانند مدافع حقوق زنان باشند و برای زنان کار کنند که خودشان توانمند باشند زیرا از ابزار احساسات و شعاردهی کاری بر ساخته نیست.

ایستاده‌گی کنند و مانند گذشته دیگر تحمل پذیرش هر نوع ستم و نادیده‌گرفته شدن را ندارند.

هر چند دولت برای رسیده‌گی به قضایای خشونت علیه زنان آدرس‌های مشخصی دارد و وزارت‌تی هم برای توان‌مندسازی زنان ایجاد کرده است؛ به نظر شما، فعالیت نهادهای اجتماعی-مدنی و کمپاین‌ها و برنامه‌های حمایت از زنان در این حالت گذار چه نقشی را به عهده دارند؟

نفس به وجود آمدن همین نهادها نشانه تغییر



این مسؤولیت همه‌گی است که برای برابری تلاش کنند، حقوق زنان رعایت شود و زمینه فعالیت زنان را فراهم کنند. در جامعه‌ای که تبعیض وجود داشته باشد، چه تبعیض جنسیتی باشد و یا تبعیض قومی و مذهبی، در هر صورت جامعه بی‌ثبات است که از ظرفیت‌هایش برای توسعه استفاده نمی‌شود. افراد و گروه‌هایی که داعیه‌دار فعالیت در عرصه حقوق زنان هستند، مسؤولیت شان بیش‌تر و سنگین‌تر است؛ اما زنانی می‌توانند مدافع حقوق زنان باشند و برای زنان کار کنند که خودشان توانمند باشند زیرا از ابزار احساسات و شعاردهی کاری بر ساخته نیست.

است. بدون تردید که این نهادها هر کدام به تناسب توان فکری، توان اقتصادی و توان فرهنگی که دارند می‌توانند مؤثر باشند، اما از آن‌جا که این نهادها تازه شکل گرفته، نفوذ و مؤثریت لازم را که انتظار می‌رود برای توان‌مندسازی زنان داشته باشد، ندارند. در بسیاری این نهادها، بی‌برنامه‌گی و مقطعی بودن شان یک مشکل است که مؤثریت کار شان را با چالش مواجه می‌کند؛ اما با تداوم کار شان تاثیرگذاری لازم در عرصه بهبود وضعیت زنان را خواهد داشت. یک نکته یادآوری شود که این نهادها به لحاظ کارکرد و توانایی یک‌سان نیستند و شماری از این نهادها کارهای بنیادینی انجام داده است، بنابراین انتظار می‌رود که در درازمدت این نهادها وضعیت زنده‌گی زنان را بهبود ببخشند و فرصت‌های لازم را برای زنان فراهم کنند.

جامعه افغانستان به خاطر تجربه سنگین جنگ و درگیری جاری در کشور، بیش‌تر خشن می‌نماید و خشونت علیه زن هم یک پدیده‌ی سراسری است که در شهر و روستا وجود دارد، اما اکثریت نهادهای حامی زنان بر مناطق امن متمرکز شده است. به این معنا که برنامه‌های دادخواهی و آگاهی‌دهی‌شان در مورد تساوی جنسیتی و حقوق زنان را بیش‌تر در محیط و در نزد افرادی برگزار می‌کنند که به تناسب به حقوق زنان باورمند هستند، پس مشکل زنان روستایی و آنانی که در مناطق نامن صدای شان

اما وجود خشونت بیان‌گر عدم بهبود و تغییر وضعیت اجتماعی یا جایگاه سیاسی و مشارکت اقتصادی و فرهنگی زنان نیست؛ بلکه به صورت عملی نیز از صفوف قوای مسلح تا دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و از عرصه تجارت و سیاست تا فرهنگ و هنر در همه‌جا زنان حضور دارد؛ اما کیفیت و مؤثریت حضور شان بحث جداگانه‌ای است که در یافت جایگاه واقعی‌شان زمان و تلاش بیش‌تر نیاز دارد.

توقع ما باید واقع‌بینانه باشد که یک جامعه‌ی چندین‌هزارساله در مدت اندک و با امکانات محدود به ثبات و توسعه‌ی آرزمانی نخواهد رسید؛ بلکه نظر به شرایط و وضعیت واقعی جامعه خود مسایل را تحلیل



کرده و راه حل متناسب با اوضاع اجتماعی ارایه کنیم تا در سطوح مختلف حقوق زنان برآورده شود.

این‌روزها کمپاین معو خشونت علیه زنان در مناطق مختلف کشور جریان دارد و این همان سلسله کمپاین‌های پانزده روزه‌ای است که هر سال از ۲۵ نوامبر، «روز جهانی معو خشونت علیه زن» تا دهم دسامبر، «روز جهانی حقوق بشر» ادامه دارد. هر چند سال‌های قبل نهادهای مسؤول رقم درشت‌تری داشتند ولی در شش ماه نخست سال جاری نیز حدود دوهزار واقعه خشونت به ثبت رسیده است، شما ثبت و آمار خشونت را بلوغ زنان عنوان کردید، یعنی این جنبش‌گذاری است که با ثبت و پی‌گیری قضایای خشونت از مجراهای حقوقی و قانونی به معو خشونت خواهد انجامید؟

یک بخش قضیه این است که پیش از این زنان جرأت ثبت کردن خشونت را نداشتند ولی حالا هرگونه رفتاری را که خشونت تلقی شود می‌توانند ثبت کنند.

بخش دیگری قضیه این است که نگرش خود زنان نسبت به جایگاه شان در جامعه تغییر کرده است؛ یعنی زنان امروز حاضر نیستند حتا به قیمت مواجهه با خشونت هم که شده، آن جایگاه گذشته را قبول ندارند. زنان امروز جرأت این را دارند که به هر قیمتی به ستم نه بگویند و در برابر ضایع شدن حقوق خویش

دکتر صاحب، سپاس از این‌که وقت تان را برای گفت‌وگو با ما اختصاص دادید. در ابتدا بفرمایید که به نظر شما، پس از روی کار آمدن نظام دموکراتیک مبتنی بر قانون اساسی پس از سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان، در وضعیت اجتماعی و جایگاه سیاسی زنان در بدنه نظام چه تغییر و بهبودی دیده می‌شود؟

تشکر از شما. به طور کلی می‌توان گفت که دوره‌ی جدید یک نقطه عطفی در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان در افغانستان است. هر چند که جنبش زنان در افغانستان سابقه طولانی دارد و آغاز این روند به عصر حکومت امان‌الله خان (شاه افغانستان از سال ۱۹۱۹-... میلادی) برمی‌گردد. این جنبش در دوره‌ی حکومت‌های مختلف پس از امان‌الله خان گسترش یافت و مشارکت سیاسی زنان تبدیل به یک بحث مورد ملاحظه‌ای شده بود، اما عصر جدید دموکراسی در کشور به خاطر حضور زنان در سه بخش، نقطه عطف شمرده می‌شود.

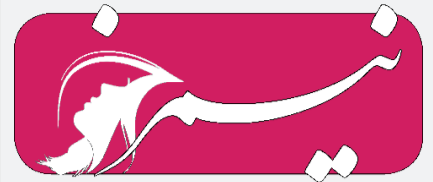
در نخست بحث تغییر ارزش‌ها و باورهایی است که در مورد زنان وجود داشت. ذهنیت گذشته اجتماعی نسبت به جایگاه زنان، از طریق مطبوعات، دانشگاه‌ها، مکاتب و گسترش ارتباطات اجتماعی به صورت بنیادین تغییر کرده است. امروز حداقل در شهرهای بزرگ کشور، محافل روشن‌فکری و آکادمیک بحث فروتر بودن زنان از بین رفته و در بدل آن بحث مشارکت، حضور، حق آموزش و آزادی کار زنان جدی‌تر شده است.

مسئله دیگر بحث در عرصه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که دست‌خوش تغییر و بهبودی اوضاع به نفع زنان شده است. امروز بیش از چهارصد نهاد اجتماعی-مدنی و فرهنگی در عرصه‌های مختلف امور زنان کار می‌کنند در حالی که مینگر و گرداننده‌ی آن‌ها نیز خود زنان هستند که این‌ها نشان‌گر حضور و تغییر جایگاه زنان است.

هم‌چنین، در عرصه رفتارها نیز ما شاهد هستیم که هیچ نهاد دولتی و سکتور خصوصی دست‌کم در ظاهر و به صورت علنی رفتار مثل گذشته (زمان قبل از تصویب قانون اساسی) را با زنان ندارند؛ ضمن این‌که به لحاظ جندر نیز بدون حضور زنان فعالیت ندارد، هر چند که در صدی جندر به مقیاسی نیست که تساوی جنسیتی در همه‌جا رعایت شده باشد. بنابراین جایگاه زنان را در شرایط بهتری می‌بینیم و حضور زنان نیز به تناسب گذشته بهتر محسوس است که این‌ها براینده تصویب اسناد و لوایح قانونی حمایت از زنان است.

درست است دکتر صاحب، هم‌چنان که شما گفتید به لحاظ تیوریک اسناد قانونی در حمایت از زنان وجود دارد و جایگاه زنان در ذهنیت عامه نیز تغییر کرده است، اما بحث این‌جاست که با وجود فعالیت‌های گسترده در بخش‌های مختلف برای حمایت از زنان، هنوز هم نهادهای چون وزارت امور زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ و کمیسیون حقوق بشر آمارهای بلندی از خشونت علیه زنان را نشر می‌کنند؛ به نظر شما چرا با وجود این فعالیت‌ها و حمایت‌ها هنوز هم زنان در متن جامعه دست‌خوش خشونت است؟

آمارهای خشونت که در این اداره‌ها ثبت می‌شود، نشان می‌دهد که جامعه در حال گذار است. در جامعه سنتی براساس همان ارزش‌ها و نورم‌هایی که بر مناسبات زن و مرد حاکم است، زنان به صورت طبیعی از مردان تبعیت می‌کنند و در برابر هرگونه رفتار مرد - حتا خشونت - اعتراضی وجود ندارد. در جوامع سنتی در درون خانواده، در متن جامعه و مسجد و مدرسه همیشه آموزش داده می‌شود که مناسبات زنان و مردان به هر صورت باشد یک ارزش اجتماعی و مورد تایید است و جامعه هم از آن حفاظت می‌کند، اما در عصر گذار چنین نیست؛ بلکه این ارزش‌ها به چالش کشیده می‌شود. وقتی که ارزش‌های حاکم در یک جامعه به چالش کشیده شد، به طور طبیعی تضاد به وجود می‌آید و منجر به کشمکش و خشونت می‌شود. گسترش خشونت نشانه‌ای از بلوغ زنان است که هرروز یک‌گونه‌ای از رفتارها و پندارهای خشونت‌آمیز نهفته در مناسبات اجتماعی را تشخیص می‌کنند تا برای معو آن، مبارزه شود و ثبت این موارد باعث افزایش آمار می‌شود. در یک نگاه واقع‌گرایانه نسبت به جامعه خود، درمی‌یابیم که ما یک جامعه سنتی نیستیم و جامعه مدرن هم نشده‌ایم؛ بلکه جامعه ما در حالت گذار از سنت به مدرنیته است. از ویژه‌گی‌های جامعه در حال گذار، همین است که تنش، برخورد و خشونت وجود دارد زیرا همه مناسبات اجتماعی و ارزش‌های جامعه باید تغییر یابند و در این وهله‌ی تغییر بدون شک که در اثر تصادم طرف‌های مقاومت برای بقا و تلاش برای فروکاست این مناسبات به خشونت می‌انجامد.



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۶۴ • دوشنبه ۱۲ قوس ۱۳۹۷
Monday • December 3, 2018
Vol. 2 • No. 64



خواننده‌گان عزیز نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند. صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان سردبیر: ریحانه رها گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی صفحه‌آرا: اولیا عماد زیر نظر هیئت تحریر به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد. شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴ آدرس الکترونیکی: Nimrokhweekly7@gmail.com

که گزارش: نیمرخ

اتهام‌ها و ادعاها در مورد خشونت و سواستفاده جنسی در تیم ملی فوتبال زنان افغانستان

فدراسیون فوتبال کشور می‌گوید که شماری از اعضای پیشین تیم ملی که در خارج از کشور زنده‌گی می‌کنند به دلیل دعوت نشدن در بازی‌ها و تورهای این تیم این ادعا را مطرح کرده‌اند. اما خانم پوپل در گفت‌وگو با شبکه بی‌بی‌سی گفته است که کمک‌مربیان تیم ملی فوتبال زنان افغانستان مشکلات اخلاقی داشتند و این مسئله را آنان بارها با فداسیون در میان گذاشتند، اما هربار که این مسئله با فدراسیون فوتبال مطرح می‌شد، به جای این‌که این افراد تنبیه شوند، ترفیع می‌کردند.

رفتار زنان ورزش کار و به ویژه فوتبالیست‌ها در افغانستان هنوز هم نظر به مناسبات حاکم در جامعه سنجیده می‌شود و تیم ملی فوتبال زنان افغانستان به دلیل این‌که در سفرش به اردن حجاب اسلامی را رعایت نکرده بود، مورد هجوم رسانه‌های اجتماعی و شماری از عالمان دین قرار گرفت؛ زیرا بازی‌کنان تیم افغانستان بیش‌ترشان مقیم خارج بودند و بدون روسری به میدان رفتند. اکنون رییس فدراسیون فوتبال افغانستان تاکید می‌کند که

چون تیم ملی افغانستان به نمایندگی از یک کشور اسلامی به میدان می‌رود، پس به رعایت حجاب اسلامی نیز ملزم است. با این همه، بحث رعایت حجاب و نوعیت پوشش دختران، بحث بنیادینی است که برداشتن حجاب اسلامی از سر تیم ملی فوتبال زنان افغانستان تنش دوام‌داری میان هواپاران سنت و مدرنیته باقی خواهد ماند، اما آن چه اکنون نیاز به بررسی فوری

ادامه در صفحه ۲...

این تیم فساد اخلاقی وجود دارد. روزنامه‌گردین این گزارش را در مورد بدرفتاری‌های جنسی و فزیک با نقل قول‌هایی از خانم پوپل، شبنم مبارز و مینا احمدی، از بازی‌کنان پیشین تیم ملی زنان افغانستان و کیلی لیندسلی، مربی امریکایی آنان، منتشر کرده است.

اما فدراسیون فوتبال افغانستان اتهام‌های سواستفاده جنسی از بازی‌کنان تیم ملی فوتبال زنان افغانستان را رد کرده و دلیل نشر این خبر را «نارضایتی شماری

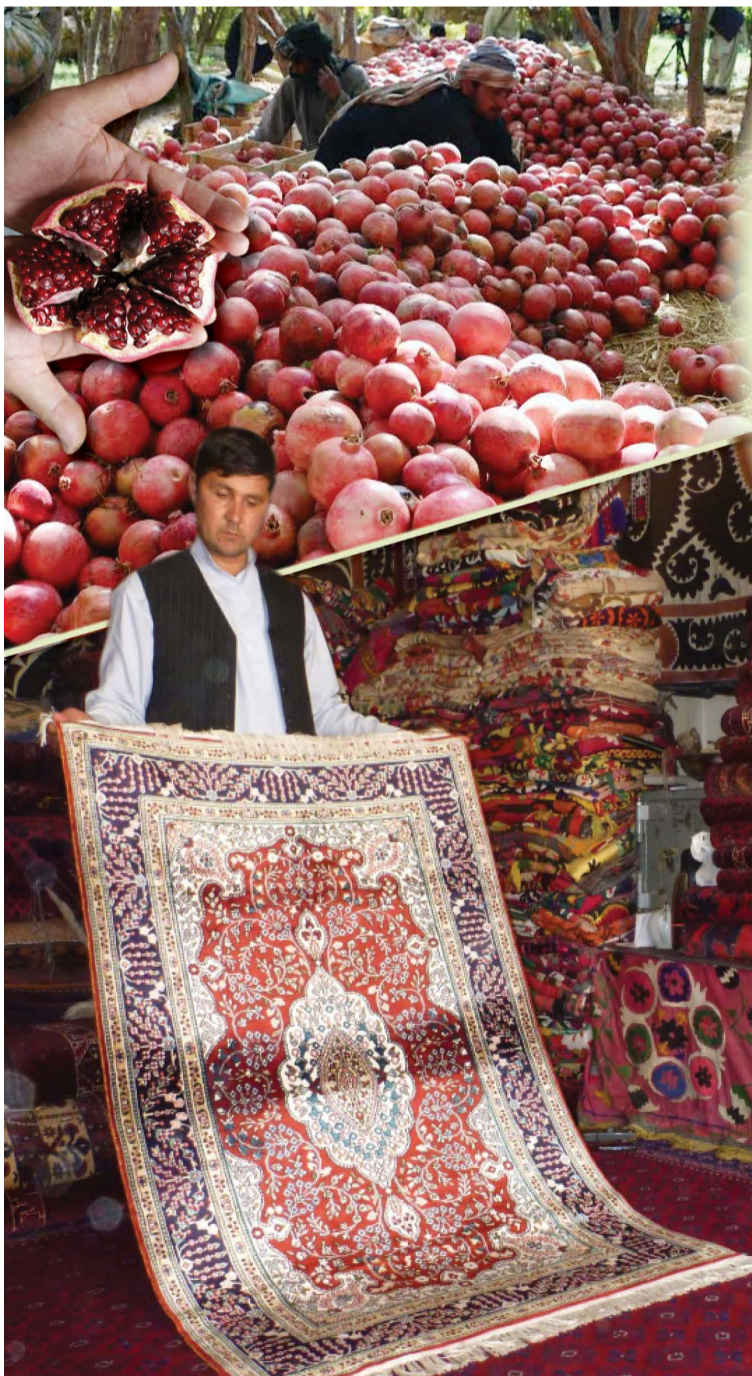


از اعضای پیشین تیم ملی فوتبال زنان» خوانده است. علی‌رضا آقازاده، دبیر کل فدراسیون فوتبال افغانستان روز شنبه، دهم قوس ۱۳۹۷ خورشیدی در نشست خبری در کابل گفت که این موضوع مربوط به سفر تیم ملی فوتبال زنان افغانستان در فبروری ۲۰۱۷ میلادی به کشور اردن می‌باشد. این در حالی است که بخشی از اتهام‌ها در مورد بدرفتاری جنسی مربیان مرد تیم ملی بر بازی‌کنان این تیم نیز با سفر اردن مرتبط است. ولی رییس

زنان در افغانستان ده‌ها انتظار کشیدند و سال‌ها تلاش کردند تا صحنه‌ی حضور آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی فراهم شود، اما بهای این حضور هم اندک نبوده و ضمن تحمل خشونت ناشی از مقابله با سنت‌ها، پس از حضور در محیط اجتماعی و کار نیز شماری از آنان دست‌خوش سواستفاده جنسی شده‌اند.

گزارش‌های زیادی در مورد سواستفاده جنسی در اداره‌های دولتی و حتا دانشگاه‌های کشور به

صورت رسمی و غیر رسمی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که اندکی از بحران نهفته در درون این جامعه را رونما می‌کند. اما به تازه‌گی گزارش‌هایی از وجود خشونت و سواستفاده جنسی در تیم ملی فوتبال زنان افغانستان نیز منتشر شده که مربیان مرد این تیم را به بدرفتاری جنسی با بازی‌کنان (بانوان) متهم می‌کند. خالده پوپل، مسوول پیشین تیم ملی فوتبال زنان افغانستان به روزنامه‌گردین گفته است که در درون



مور ټول افغانان پوو!

ما همه افغان هستيم!



افغانان پر خپلو هغو لرغونو دودونو او کلتوري توپرونو ویاړي، چې دوی ته سوکالي ور بخښي. دا زموږ د ټولو په ګټه ده چې د خپل هېواد د روښانه راتلونکې لپاره ګډ کار وکړو.

افغان ها به عنعنات غنی و تفاوت های فرهنگی که برای آنها آسایش می آورد، افتخار می کنند. برای همه ما خوب است که بخاطر آینده بهتر کشور ما در کنار هم کار کنیم.

